



An attitude towards the Koliya, remains of the w foundations of the Sultans of the Ottoman era

Sare Poursha'banian*

Abstract

The Koliyas (waqfi foundations) with the influence of Islamic culture are prominent as an architectural indicator of the Ottoman era. The position of these special collections has been in the direction of waqf with the aim of developing welfare services in the space of Ottoman cities. The main core of the Koliyas was developed with the center of the mosque and then practical and public buildings were built around it to meet the needs of the residents of the neighborhood. The wealth and power of the Ottoman rulers are visible in the construction and development of the Koliyas. The present article is a theoretical research with a historical approach in a descriptive-analytical way and based on written sources and library studies and its purpose is to examine the position of the Koliya and the impact of waqf in the development of these service foundations. In line with the above goal, Ottoman architecture, Koliya and its parts have been examined along with significant examples.

Key words: Ottomans, Architecture, Waqf, Koliya.

نظرة عامة على ما تبقى من آثار مؤسسات وقف السلاطين في العصر العثماني

ساره بورشعبانيان*

الخلاصة

تظهر كليات (مؤسسات الوقف) المتأثرة بالثقافة الإسلامية كمؤشر معماري للعصر العثماني. حيث ان مكانة هذه الكليات الخاصة بالوقف تهدف الى تطوير خدمات الرعاية الاجتماعية في فضاء المدن العثمانية. وقد تم تطوير النواة الرئيسية العامة وجعل المسجد مركزاً لها، ثم أقيمت حولها مباني وظيفية و عامة لتلبية احتياجات سكان الأحياء. وتظهر ثروة وقوة الحكام العثمانيين في بناء الكليات و تطويرها. و هذا المقال هو بحث نظري ذو منهج تاريخي بالأسلوب الوصفي التحليلي و موثق بالمصادر المكتوبة و الدراسات المكتبية، الغرض منه هو دراسة مكانة الكليات و أثر الوقف في تطوير هذه الأسس الخدمية. و تمشياً مع الهدف المذكور أعلاه للعمارة العثمانية، تم دراسة جميع أجزائها و الأمثلة الرئيسية لها

الكلمات المفتاحية: العثمانيون، العمارة، الوقف، الكلية

*ماجستير في علم الآثار

Sarehpourshabaniyan1997@gmail.com

نگرشی بر کلیه، آثاری برجامانده از بنیادهای وقفی سلاطین دوران عثمانیان

ساره پور شعبانیان*

مقاله پژوهشی



چکیده

کلیه‌ها (بنیادهای وقفی) با تأثیرپذیری از فرهنگ اسلامی به‌عنوان شاخص معماری دوران عثمانیان مطرح هستند. جایگاه این مجموعه‌های خاص در جهت نگرش به وقف باهدف توسعه خدمات رفاهی در فضای شهرهای عثمانیان بوده است. هسته اصلی کلیه‌ها با مرکزیت مسجد توسعه پیدا می‌کرد، و سپس بناهای کاربردی و عام‌المنفعه در اطراف آن ساخته می‌شد تا نیازهای ساکنان محلات را برطرف نماید. ثروت و قدرت حاکمان عثمانی در ساخت و توسعه کلیه‌ها نمایان است. نوشتار حاضر، پژوهشی نظری با رویکردی تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب و مطالعات کتابخانه‌ای است و هدف آن بررسی جایگاه کلیه و تأثیر وقف در توسعه این بنیادهای خدماتی است. در راستای هدف فوق معماری عثمانی، کلیه و بخش‌های آن به همراه نمونه‌های شاخص مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: عثمانیان، معماری، وقف، کلیه



مقدمه

نهاد وقف در تمدن‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی اهمیت بسیاری داشته است، و از عوامل اثرگذار شکوفایی تمدن در سراسر گستره جهان اسلامی است و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون جوامع اسلامی به شمار می‌رود. از این رو، تأثیرات وقف در جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی نقش سازنده‌ای داشته است. در دوران شکل‌گیری جامعه اسلامی، زندگی محله‌ای در شهرها در ساختار معماری پیرامون مجموعه‌های اجتماعی متمرکز شد. مجموعه اجتماعی با توسعه نظام حقوقی بنیاد و مفهوم انفاق در جامعه اسلامی پدید آمد. ترکان فاتح از منطقه‌ای به منطقه دیگر در سراسر آسیای صغیر نقل مکان کردند. گروه کوچکی از جنگجویان در هر شهر فتح شده ساکن می‌شدند. رسالت این گروه ایجاد جامعه اسلامی بود. به منظور اسکان و خدمت به این جامعه جدید، محله‌های جدیدی در خارج از دیوارهای شهر ساخته شد. این محله‌های جدید در اطراف یک مرکز خدماتی که شامل مسجد، مدرسه، حمام و سایر امکانات بود، ایجاد شد. به عبارت دیگر، نیاز به اسکان و ارائه خدمات برای جامعه مسلمانان دلیل تولد کلیه عثمانی بود. هسته مرکزی این بنیادهای رفاهی مسجد بود. مجموعه‌هایی که با ساختمان‌های کوچک در کنار مسجد شروع شده بودند، به مرور زمان جای خود را به مجموعه‌های بزرگ دادند و معروف‌ترین نمونه نهادهای رفاهی - اجتماعی را ایجاد کردند. درآمد حاصل از بناهای جانبی از قبیل کاروان‌سراها، بازارها، حمام‌ها و غیره بر مبنای اصل خدمات‌رسانی رایگان به عموم در اختیار مجموعه قرار می‌گرفت. هر سلطان عثمانی در زمان سلطنت خود یک کلیه ساخت. کلیه‌های اولیه کوچک و متوسط بودند. تعدادی از اولین کلیه‌های بزرگ در بورسا ساخته شدند. زمانی که بورسا به‌عنوان مقرر حکومت نام‌گذاری شد، به مهم‌ترین شهر در دولت عثمانی تبدیل شد. سلاطین کلیه‌های خود را در اطراف مساجد در بخش‌های مختلف شهر بنا کردند. یکی از این اولین کلیه‌ها توسط ییلدیریم بیازیت در خارج از محدوده شهر قدیمی ساخته شد. کلیه دارای مسجد، مدرسه، عمارت، حمام و مقبره بود. دیگر کلیه‌های بزرگ در بورسا توسط مراد اول (Yeşil) و مراد دوم ساخته شده است تا زمانی که سلطان محمد دوم ملقب به سلطان محمد فاتح قسطنطنیه «استانبول» را فتح نمود، و کلیه‌ها به نمونه‌های توسعه‌یافته تبدیل گشتند (Hakkı, ۱۹۹۲: ۵).

روش پژوهش

این نوشتار، پژوهشی نظری با رویکردی تاریخی، به شیوه توصیفی - تحلیلی و مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌های است تا جایگاه وقف در فرهنگ معماری عثمانیان در قالب کلیه‌ها را بازگو کند.

پیشینه پژوهش

موضوعی با محوریت بررسی کلیه‌ها (مجتمع‌های بنیادی - رفاهی) در معماری عثمانی و تأثیرات جایگاه وقف در ساخت آنها به شکل پراکنده در خلال منابع مختلف معماری اسلامی و تاریخ تمدن اسلام آمده است. می‌توان از منابع به‌عنوان نمونه (ایتسکوویتس، ۱۳۷۷؛ اتینگهاوزن - گرابار، ۱۳۸۳؛ هیلنبرند، ۱۳۸۵-۱۳۹۱؛ Kuiper ۲۰۰۹؛ بلر، ۱۳۸۵؛ بوکهارت، ۱۳۹۰؛ هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰) اشاره نمود. مقاله فوق در نظر دارد ساختار کلیه و اهمیت آن در معماری و فرهنگ عثمانیان را بررسی نماید و در این راستا کلیه‌های شاخص در دوران عثمانیان را مورد مطالعه قرار دهد.

عثمانیان

دولت عثمانی به‌عنوان بزرگ‌ترین و پهناورترین دولت اسلامی پس از فروپاشی خلافت عباسیان شناخته می‌شود. این دولت در سده‌های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در سرزمین آناتولی ظهور کرد. عثمانیان شاخه‌ای از ترکمن‌ها (طایفه قایی) بودند که در اواخر امپراتوری سلجوقیان از ترکستان به آسیای صغیر کوچیدند. در آن زمان سلجوقیان روم که قسمتی از سلسله دولت‌های سلجوقی بودند، در این سرزمین فرمان می‌راندند. ترکان عثمانی اندک‌اندک در نواحی غرب آناتولی به یک قدرت منطقه‌ای و متحد سلاجقه تبدیل شدند و بعداً جانشین سلجوقیان گشتند. ایشان نام خود را از عثمان اول پسر ارطغرل که رهبر ایل ایشان بود، گرفته بودند (احمد، ۱۳۸۵: ۱۵). سلطان مراد اول «۱۳۶۰-۱۳۸۹ میلادی» که بعدها به خداوندگار ملقب گردید، با فتح ادرنه امپراتوری عثمانی را به درون اروپا گسترش داد و طراس، مقدونیه و بلغارستان را ضمیمه آن کرد (بلر-لوم، ۱۳۸۵: ۱۵۸). بایزید اول «۱۳۸۹-۱۴۰۳ میلادی» بیروا از نیروی نظامی استفاده کرد و دامنه قلمرو امپراتوری را وسعت بخشید، و در اوائل نیمه دوم سده پانزدهم با فتح قسطنطنیه، به رهبری سلطان محمد دوم (فاتح)، در مقام تنها وارث امپراتوری امپراتوری روم شرقی



«بیزانس» جای گرفت (بلر - بلوم، ۱۳۸۵: ۱۵۹). زیبایی استانبول سلطان محمد فاتح را از وضع و حالت طبیعی ایللیاتی خارج نمود. آن شهر بهترین موضع برای نیروی دریایی در محل تلاقی آسیا و اروپا و نماینده توسعه به شرق و غرب بود. استانبول بهترین مرکز برای ایجاد امپراتوری عظیم اسلامی بر اساس اصول عالیله اسلامی بود (ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۱۴۴-۱۴۵). سلطان محمد فاتح؛ استانبول را با مؤسسه‌های فرهنگی و اجتماعی مزین ساخت و در جوار مسجد خود «مسجد سلطان محمد» مدرسه مشهور صحن ثمان را ساخت که در زمان خود از دانشکده‌های بزرگ حقوق و الهیات بود و برای دوره مکمل این دانشکده‌ها، مدارس «تتمه» را بنا کرد (حقی اوزون چارشیلی، ۱۳۶۹، جلد ۲: ۱۵۰). بدین‌سان، در پایان سده پانزدهم دولت عثمانی به اوج اقتدار و شکوه خود دست‌یافت؛ اقتدار و شکوهی که بیش از یک سده دوام آورد (بلر - بلوم، ۱۳۸۵: ۱۵۹) گرفتن مقام خلافت از خلیفه در زمان سلطان سلیم که حاکمیت فراوان و نفوذ شایان اهمیتی از نظر معنوی بر عالم اسلام داشت بر مقام و اعتبار پادشاهان عثمانی افزود و اداره امور مکه و مدینه این خاستگاه اسلام توسط دولت عثمانی و اختصاص عنوان بسیار مهم «خادمین حرمین شریفین» به سلطان سلیم بسیار به اعتبار و احترام این دولت در جهان افزود (حقی اوزون چارشیلی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۲۸). قوانین حکومت عثمانی، همواره بر اساس قوانین دین اسلام بود و امور اداری با مقرراتی که سلطان تصویب می‌نمود، اجرا می‌شد (ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۱۳۳). سنت بزرگ معماری عثمانی، از دو منبع اصلی نشأت گرفته است؛ یکی توسعه مجتمع‌ها «کلیه» که در معماری منطقه اشکال جدید بود و در سراسر آناتولی به‌ویژه در مانيسا، ایزنیک، بورسا و سلجوق در قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم رخ داد. علاوه بر مساجد، مقبره‌ها و مدارس معمولی، تعدادی بنا به نام «تکیه» نیز وجود دارد، تکیه اغلب به مسجد یا مقبره متصل می‌شد. سپس کل مجموعه را «کلیه» می‌نامیدند. تمام این ساختمان‌ها به توسعه ساختار گنبدی و طرح مرکزی که توسط سلجوقیان در آناتولی ساخته شده بود، ادامه دادند. منبع دیگر معماری عثمانی هنر مسیحی است، سنت بیزانسی، به‌ویژه همان‌طور که در ایاصوفیه تجسم‌یافته است، به منبع اصلی الهام تبدیل شد. تأثیر بیزانس در ویژگی‌هایی مانند سنگ و آجر به‌کاررفته در کنار هم یا در استفاده از گنبدها ظاهر می‌شود. همچنین ارتباطاتی که عثمانیان اولیه با ایتالیا داشتند از نظر هنری تأثیرگذار بود؛ بنابراین، در چندین مسجد در بورسا شباهت‌های سبکی در طرح‌های نمای بیرونی و پنجره‌ها، دروازه‌ها و سقف‌ها با ویژگی‌های موجود در معماری ایتالیایی وجود دارد. ویژگی متمایز معماری عثمانی این

است که از هر دو سنت هنری اسلامی و اروپایی نشأت می‌گرفت و بنابراین بخشی از هر دو بود (Kuiper ۲۰۲۰:۲۰۱:۲۰۰۹)

معماری عثمانی

منشأ توسعه معماری عثمانی، مساجد ستون‌دار سنتی طبق الگوی سلجوقی بود. مساجد عثمانی به لحاظ ابعاد بزرگ در چشم‌انداز شهری چشمگیر هستند. معماری عثمانی به سبب پایبندی خدشه‌ناپذیر به یک عنصر اصلی «سازه مربع‌شکل گنبد دار» در قلمرو اسلامی بی‌همتاست. این طرح در مقیاسی بسیار کوچک و در آغاز دوران عثمانی در مسجد ارطغرل مربوط به اوایل قرن ۱۴ میلادی در سوقات خود را آشکار ساخت و در پنج قرن بعد با هدفمندی منحصر به فردی گسترش یافت. این نوع سازه به راحتی متعلقات زیادی شامل؛ پشت‌بندهای گنبدار، نیم‌گنبدها، رواق‌های ورودی، رواق‌های دورتادور، حیاط، صحن و مناره‌ها را در خود جای می‌داد. معماری عثمانی را میتوان معماری مسجد نامید، اعتبار بدون هم‌اورد مسجد موجب شد تا به کانون طبیعی حمایت سلطنتی تبدیل شود، و مساجد عمومی‌ترین محل عرضه نوآوری‌های معمارانه محسوب می‌شدند (هیلنبرند، ۱۳۹۱: ۲۵۴). در معماری عثمانی، مساجد در رأس مؤسسات اجتماعی قرار دارد، گذشته از اینکه محل یک اجتماع معنوی و مکان عبادت است، در مرکز هر محل از اهمیتی شایان توجه برخوردار بوده است. قسمت اعظم مساجد عثمانی در بورسه و ادرنه به دستور غازی اورخان، مراد اول، یلدرم بایزید، محمد چلبی، مراد دوم و نیز مسجد یشیل جامع از نیک به امر چندرلی خلیل خیرالدین پاشا ساخته شد. مسجد جامع بایزید در آماسیه و مساجدی که در نقاط دیگر به دستور پادشاهان و امرا ساخته شد از نظر شیوه معماری و تزیینات ساختمان جز آثار معماری و هنری بسیار ارزنده به حساب می‌آید (حقی اوزون چارشیلی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۱۱). نخست از نیک، سپس بورسه و ادرنه و در آخر استانبول که عثمانیان آنها را به‌عنوان نخستین پایتخت‌های خود برگزیدند، چشم‌اندازهای جالبی برای اجرای طرح‌های ساختمانی فراروی فرمانروایان جدید گشودند. احداث بناهایی موسوم به «کلیه» که بنیادهایی عموماً وقفی مشتمل بر بناهای متعدد به مرکزیت مسجد، اما با تمایل به رفاه و آموزش بودند، آغاز شد و ساختمان‌های مساجد با تسهیلات مذهبی و رفاهی درهم‌آمیخته گشت (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۴۴-۵۴۵). گنبدخانه مرکزی وسیع، شبستان‌ها در طرفین گنبدخانه، توجه به نمای بیرونی بنا، گنبد مرکزی و نیم‌گنبدها فرعی متعدد، استفاده از طاق‌های پلکانی،



مصالح اولیه سنگ، استفاده از مناره‌ها در چهارسوی ساختمان، کتیبه‌نویسی‌های درشت در داخل مساجد و استفاده از قاب‌های بسیار بزرگ کتیبه‌نویسی برای تزیین دیوارها از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری عثمانی در کلیه‌ها با مرکزیت مساجد محسوب می‌شود (هیلبرنند، ۱۳۹۱: ۲۵۴)، همچنین سنت مناره‌سازی در مساجد و مدارس این منطقه از رونق بالایی برخوردار است (هیلبرنند، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

کلیه

کلیه یک نهاد عثمانی بود که انواع خدمات مذهبی، آموزشی، اجتماعی و همچنین تجاری را در خود جای‌داده بود. این بنیادها به‌عنوان پروژه‌های جامع ساخته شده است، بخش‌های مختلف کلیه در اطراف هسته مرکزی یک مسجد گردآوری شده بودند و در یک نهاد واحد مدیریت می‌شود و اغلب بر پایه وقف کار می‌کند. ریشه (ترکی استانبولی Külliye) به‌عنوان یک مفهوم به «قدیمی‌ترین شکل مسجد یا جامی اشاره میکند، که در آن یک ساختمان اصلی محل نماز، تدریس و همچنین به‌عنوان خوابگاه بود. در اطراف آن سایر فعالیت‌های مدنی و رفاهی قرار داشت. کلیه‌ها معمولاً متشکل از مدرسه، دارالشفاء، مطبخ، نانوايي، حمام ترکی، ساختمان‌های دیگر برای خدمات مختلف خیرخواهانه برای جامعه و سایر ملحقات است، اصطلاح külliye از اصطلاح عربی "kull" به معنای «کل» گرفته شده است» (Hakky, ۱۹۹۲: ۴-۵). جامع‌ترین تعریف توسط اصلانپا ارائه شده است، وی عنوان می‌کند: بنای مجتمع که معمولاً از مسجد جامع «جامی»، یک یا چند مدرسه، بیمارستان، بازارهای سرپوشیده، مقبره، مهمان‌سرای و آشپزخانه یا عمارت تشکیل شده است. اگرچه چنین ارکان بنیادی از قرن چهاردهم مصر شناخته شده است، احتمال دارد از خراسان سلجوقی سرچشمه گرفته باشد، و به‌عنوان مشخصه دوره عثمانی در استانبول تبدیل گردد. سامنر - بوید و فریلی با یک اضافه مهم تعریف مشابهی دارند: این کلیه‌ها پایه‌های پرهیزگاری بودند. کوران توضیح می‌دهد که کلیه‌ها مراکزی بودند که محله‌های جدید در اطراف آنها رشد کردند. از آنجایی که عثمانی‌ها سیاست مدارا را با سایر ادیان انجام می‌دادند، مزاحمتی برای سکونتگاه‌های قدیمی موجود در شهرهای فتح شده ایجاد نکردند. آن‌ها معمولاً محله‌های خود را خارج از دیوارهای شهر می‌ساختند. به‌منظور ایجاد روحیه اجتماعی در سکونتگاه‌های جدید، مراکزی را ایجاد کردند که کلیه خدمات مدنی را ارائه می‌کرد. چنین مراکزی به قلب جوامع جدیدی تبدیل شدند که مناطق مسکونی در

اطراف آنها رشد کردند (Hakkı, ۱۹۹۲: ۹). همان‌گونه که اصلانیا مطرح نمود، سنت ساخت کلیه به‌ویژه در معماری ترکی (در سلجوقی) به‌ویژه امپراتوری عثمانی و همچنین میراث معماری تیموری وجود داشته است، اوج معماری عثمانی در مجموعه بزرگ کلیه‌ها و مساجد استوار است، کلیه فاتح، مسجد بایزید، مسجد سلیم، کلیه شهزاده نمونه‌های شاخص از مجتمع‌های مذهبی، رفاهی و اجتماعی است. کلیه‌های شهزاده و سلیمان توسط سینان، بزرگ‌ترین معمار عثمانی ساخته شده‌اند که شاهکار او مسجد سلیم در ادرنه است. همه این ساختمان‌ها اوج هنر معماری را هم در پلان و هم در ارتفاع از خود نشان می‌دهند، هر جز در ارتباط با کل در نظر گرفته شده است و هر عنصر معماری در ترکیب کل عملکردی سلسله مراتبی پیدا کرده است. همه چیز در همه مساجد امپراتوری عثمانی مرکز یک کلیه را تشکیل می‌دهند، مجموعه‌ای از مؤسسات مذهبی و عام‌المنفعه که دارای ثروت فراوان است. این کلیه‌ها به‌عنوان مراکز رفاهی در استانبول و سایر شهرهای عثمانی برای خدمت به عموم مردم بودند (Kuiper ۲۰۰۹: ۲۰۲-۲۰۳).

فضاهای کلیه

کلیه، مجموعه‌هایی از سه یا چند تسهیلات مذهبی بوده است. ماهیت آموزشی، اجتماعی و تجاری داشته که توسط یک حامی به‌عنوان بنیادی خیریه برای منافع یک جامعه ساخته شده است. یک کلیه دارای؛ مسجد به‌عنوان هسته اصلی، بازار، حمام یا حمام عمومی، کاروان‌سرا و خان، ساختمان‌های تجاری که به مسافران و بازرگانان خدمات‌رسانی می‌کردند، بودند. کلیه‌ها بیشتر توسط خانواده سلطنتی و مقامات عالی دولت ساخته شده‌اند. بزرگ‌ترین کلیت‌ها توسط خود سلاطین ساخته شد که بودجه ساختمان‌های معماران چیره دست عثمانی را تامین کردند. دو نوع اصلی از کلیت‌ها وجود داشت:

کلیت‌های شهری

کلیت‌های روستایی

کلیه‌های شهری در شهرها ساخته می‌شدند و بیشتر به سمت اهداف آموزشی گرایش داشتند. در حالی که کلیه‌های حومه شهر معمولاً برای خدمت به مسافران ساخته می‌شدند. اصطلاح «külliye» در نوشته‌ها برای نشان‌دادن «külliye» شهری استفاده می‌شود، مگر اینکه به‌عنوان «külliye» روستایی مشخص شده باشد. اندازه کلیه‌ها با توجه به مکان،



زمان و سازنده آن‌ها بسیار متفاوت است؛ بنابراین، تعداد امکانات از یک کلیه به دیگری متفاوت بود (Hakky, ۱۹۹۲: ۱۰)

طراحی کلیه‌ها بر اساس یک سیستم هندسه بسیار دقیق طراحی می‌شده است. این سیستم بیشتر بر دو شکل اساسی استوار بوده است؛ مربع و دایره. این دو شکل به دلیل ارزش نمادین آن‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرند. آنها دارای معانی مقدس خاصی هستند که آنها را به طور خاص ترجیح می‌دهند تا به‌عنوان پایه‌ای برای کل طراحی عمل کنند (Hakky, ۱۹۹۲: ۱۵). دایره عامل حفاظت و نگاهداری است (دوبوکور، ۱۳۹۱: ۹۳)، دایره هم‌مرکز، رمز تطور و تکامل تدریجی و مراتب مختلف نظام ارزشی اجتماعی یا اخلاقی و مدارج وجود و مراحل پیاپی زندگانی هستند (دوبوکور، ۱۳۹۱: ۷۹) و مربع ظاهری‌ترین و ثابت‌ترین جنبه آفرینش را ارائه می‌دهد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۲: ۵۹) و متضمن تصور استحکام، استقرار، رکود، ایستایی و نمودگار زمین است (دوبوکور، ۱۳۹۱: ۱۰۴). آسمان گرد است و زمین چهارگوش، مناسبات دو سری (دیالکتیکی) میان عالم فوقانی و متعال که بشر طالب مشتاق آن است و زمین که وی در آن سکنی دارد، چنین بیان می‌شود (دوبوکور، ۱۳۹۱: ۱۰۴). علاوه معانی نمادین این طراحی؛ به‌خصوص اصل مهمی که در طراحی که به‌طور گسترده مورداستفاده قرار می‌گرفت، مرکزیت بوده است، طرح کل کولیه در اطراف یک مرکز ظاهر می‌شده است (Hakky, ۱۹۹۲: ۱۵). مسجد در نقطه مرکزی طرح قرار می‌گرفت، نقطه اصلی مسجد در مرکز دایره یا مربع فراگیر می‌گرفت. ورودی قسمت سرپوشیده مسجد از صحن یا مرکز گنبد می‌توانست نقطه اصلی باشد. مسجد را می‌توان با فضای بزرگتری احاطه کرد، این فضا را به دلیل موقعیت مکانی و اینکه به‌عنوان مرکز اجتماعی جامعه عمل می‌کند، فضای مرکزی نامیده می‌شد. فضای مرکزی را می‌توان با سایر ساختمان‌های کلیه تعریف نمود. مجموعه‌ای از گذرگاه‌ها در اطراف فضای مرکزی قرار می‌گرفت و به‌عنوان یک مسیر عمومی عمل می‌نمود، و با مسیرهای خیابان‌های بافت شهر در اطراف کلیه مرتبط می‌گشت. بیشتر بخش‌های کاربردی به این گذرگاه‌ها یا مستقیماً به فضای مرکزی باز می‌شود، ورودی‌های کلیه در مکان‌هایی با دقت انتخاب می‌گشت تا امکان ارتباط مستقیم با بافت شهری و کلیه فراهم شود. به‌ویژه، فضای مرکزی از طریق ورودی‌هایی که مستقیماً به آن باز می‌شود، در ارتباط مستقیم با بافت شهری بودند، امکانات آموزشی در مجاورت مسجد واقع می‌شدند. خدمات اجتماعی، مانند عمارت و حمام، ممکن بود ورودی‌های اختصاصی داشته باشند. مسجد بلندترین بنا در

کلیه بود، سایر ساختمان‌ها از نظر ارتفاع به ساختمان‌های معمولی بافت شهری نزدیک‌تر بودند. توره یکی از ساختمان‌هایی بود که ارتفاع آن تا حدودی میانه بود. ارتفاع بناها به اندازه‌ای بود و که نظم سلسله مراتبی در کلیه و فضاهای اطراف آن بسیار آشکار بود و بالاترین واحد در طراحی فضا، همواره مسجد بوده است، و هر چیز دیگری در اطراف آن به سمت حاشیه‌هایی که ارتفاع سازه‌های کلیه‌ها با ساختمان‌های مسکونی معمولی سازگار است، پایین می‌آمد

مسجد

معماری امپراتوری عثمانی به‌ویژه با مجموعه مساجد بزرگی تعریف می‌شود که دارای مناره‌های بلند و باریک و گنبد‌های عریض هستند. مسجد، مکان برگزاری نماز، مناسک و آموزش‌های مذهبی بود. مساجد در کانون فعالیت‌های مذهبی عثمانیان قرار داشتند. این فضای مذهبی در جامعه عثمانی به‌عنوان هسته اصلی کلیه‌ها، منجر به توسعه فضاهای مختلف و عام‌المنفعه و ارائه انبوهی از خدمات به اجتماع گردیده بود (QUATAERT, ۲۰۰۵: ۱۶۴-۱۶۳)

مدرسه

در کلیه‌های عثمانی، مؤسسه‌های برای آموزش الهیات به مسلمانان (قرآن، حدیث، سنت) در نظر گرفته می‌شد. از نظر معماری، معمولاً شامل اتاق‌ها و حجره‌هایی برای افراد بود که در اطراف یک حیاط باز چیده شده بودند. یک اتاق مخصوص برای سخنرانی نیز گنجانده شده بود. در دوره عثمانی، مدرس معادل یک دانشگاه مدرن بود، یک مؤسسه برای آموزش عالی بود. (Hakky, ۱۹۹۲: ۱۳). تمام کلیه‌های بزرگ شامل مدرسه بودند این مدرسه‌ها در چندین سطح علمی وجود داشتند، برخی از آن‌ها صرفاً مدارس متوسطه و برخی دیگر از مدارس تدریس دروس پیشرفته‌تر و تخصصی مانند الهیات، حقوق، پزشکی، فراگیری قرآن و حدیث، یا سنت پیامبر صورت می‌گرفت (Kuiper ۲۰۰۹: ۲۰۳)

حمام

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مجتمع‌های بنیادی عثمانی بود، حمام یا حمام عمومی که درآمدهای آن اغلب صرف پرداخت هزینه‌های کلیه می‌شد. تعداد بی‌شماری از حمام‌های قدیمی عثمانی هنوز در استانبول و در سراسر غرب ترکیه که قدیمی‌ترین آن‌ها در بورسا است، فعال هستند. (FREELY, ۲۰۱۱: ۲۶).



بیمارستان «دارالشفاء»، کاروان سرا و عمارت

مجتمع‌ها و بناهای عام‌المنفعه امپراتوری بزرگ‌تر شامل دارالشفاء یا بیمارستان، کاروان سرا و عمارت یا آشپزخانه عمومی بزرگ بودند. مجموعه‌هایی بزرگ مانند سلیمانیه شامل تیمارخانه نیز بودند. کاروان سرا با همان نقشه کلی در معماری عثمانی ساخته شده است، مدرس، با اتاق‌های گنبدی شکل اطراف حیاط مرکزی که به مسافران و بازرگانان خوراک و غذا داده می‌شد، بازرگانان کالاهای خود را در اتاق‌هایی که در طبقات بالای عمارت دارای گنبد بودند قرار می‌دادند. غذای برای همه افراد مرتبط با کلیه، و همچنین برای فقیران محله، بیماران در بیمارستان‌ها و کاروان سراها رایگان بود. (FREELY, ۲۰۱۱: ۲۵).

تابانه

همان سرا برای مسافران یا آسایشگاه برای استراحت.

تکه

فضای پذیرایی از و درخواست‌های درویش یا صوفی.

محکمه

دادگاه عمومی برای رسیدگی به شکایت‌های عموم افراد بوده است

سبیل

کلیه در فضایی نزدیک به یک منبع آبی ساخته می‌شد، زیرا چشمه عمومی تأمین‌کننده آب آشامیدنی کلیه بودند. این بخش یک سازه مستقل نیست، بلکه متصل به دیوار یک بخش، به‌ویژه، دیوار مسجد است.

امکانات تجاری

مغازه‌ها؛ بیشتر در حومه کولیه به‌منظور ارائه خدمات به ساکنان کولیه و محله و ایجاد درآمد برای حمایت از کولیه ساخته شده‌اند. آراستا؛ یک خیابان باز یا سرپوشیده برای خرید.

امکانات خصوصی

توربه «مقبره»؛ برای حامی کلیه ساخته می‌شده است. در فضای اطراف مقبره اصلی بانای کلیه افراد دیگری نیز دفن می‌شدند

فضای سلطنتی؛ بنای کوچکی است که معمولاً به مسجد متصل می‌شد و تولید برای استراحت و عبادت از آن استفاده می‌کرد.

امکانات کمتر مهم دیگری مانند مواکنان که اتاق نگهبان کلیه و همچنین ستاره‌شناس بود وجود داشت. از دیگر امکانات می‌توان به فضای باز برای آموزش و سرویس بهداشتی نیز اشاره کرد. باین‌حال هیچ کلیه‌های وجود نداشت که همه بخش‌ها و تمام امکانات ذکر شده را در یکجا در خود جای دهد (Hakkı, ۱۹۹۲: ۱۴-۱۵).

کلیه‌های شاخص عثمانیان

اورهان غازی

در سال ۵-۱۳۳۴ میلادی توسط اورهان قاضی ساخته شده و قدیمی‌ترین نمونه در معماری دوران عثمانی می‌باشد. کلیه؛ شامل یک مسجد، یک عمارت و یک حمام بوده که تخریب شده است. حفاری‌های در سال ۱۹۶۳ میلادی در این فضا منجر به کشف کتیبه وقفیه آن شده است. (FREELY, ۲۰۱۱: ۵۵)

خداوندگار «Hüdavendigâr Camii»

این مجتمع توسط مورات اول در سال‌های (۱۳۶۵-۱۳۸۵ میلادی) در بورسا ساخته شده است. عنوان کلیه «هوداوندیگر» به معنای خالق جهان بود. کتیبه‌های وقفی مسجد نشان می‌دهد، این مسجد و مساجد دیگر توسط او بنیان نهاده شده است. این بنا شامل؛ یک ساختمان دو طبقه با یک مسجد است. مسجد در زلزله ۱۸۸۵ میلادی به شدت آسیب‌دیده است و ساختار اصلی آن فروریخته است. تک مناره مسجد با یک بالکانه در سمت چپ حیاط متصل به دیوار اصلی از بخش تحتانی می‌باشد. (FREELY, ۲۰۱۱: ۳۹)

بایزید یکم

این کلیه در سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۶ میلادی) توسط بایزید اول، بر روی تپه‌ای در شرق ساخته شده است. این مجتمع در زمین لرزه سال ۱۸۵۵ میلادی به شدت آسیب دید و از آن زمان تاکنون دو بار، در سال‌های ۱۸۷۸ و ۱۹۴۸ میلادی تعمیر شده است. به نظر می‌رسد مسجد مجموع ظاهر اولیه خود را حفظ کرده است و به جز تخریب دو مناره آن تغییر دیگری نداشته است، یکی از مناره‌ها در سال ۱۸۵۵ و دیگری در سال ۱۹۴۹ میلادی، تخریب شده و هیچ یک از آن‌ها جایگزین نشدند. هسته اصلی این کلیه مسجد آن است



که نمای بیرونی آن از سنگ مرمر و سنگ تراشیده است، اقامتگاه دراویش همراه با دو مدرس، یک عمارت، یا سفره خانه، قصر، و مقبره بنیان‌گذار آن همه بخش‌های دیگر این مجتمع است که تاکنون باقی مانده است. مدرس و مقبره کلیه درست زیر مسجد قرار دارند، مدرس یک ساختمان بلند و باریک دارای ۲۰ حجره است. بایزید اول تا سال ۱۴۰۶ میلادی در اینجا دفن نشد. زمانی که پسرش چلبی مهمت، سرانجام بهبود یافت بقایای پدرش را برای دفن به بورسا آوردند. (FREELY, ۲۰۱۱: ۴۱-۴۲).

مسجد سبز

در کنار بازار قدیمی شهر بورسا واقع شده است. این مسجد معروف در این شهر در طول سال‌های ۱۴۱۹ تا ۱۴۲۱ میلادی با وقف سلطان محمد چلبی پادشاه وقت عثمانی ساخته شد. زلزله نسبتاً شدیدی که در سال ۱۸۸۵ میلادی در شهر بورسا ترکیه رخ داد قسمت وسیعی از مسجد یشیل جامع را تخریب کرد. دو مناره استوانه‌ای مسجد متعلق به مرمت‌های قرن نوزدهم می‌باشد. کلیه یشیل نیز شامل مدرس، عمارت و یک حمام است، اما از بخش‌های مذکور فقط عمارت دست‌نخورده باقی‌مانده است. عماره در حال حاضر موزه هنرهای ترکی و اسلامی که نمایشگاه‌های آن است شامل تسلیحات عثمانی، ظروف آشپزخانه، جواهرات، خوشنویسی، لباس، گلدوزی، یادگاری دراویش، فرش، گلیم و کتاب‌های عتیقه و غیره است. (FREELY, ۲۰۱۱: ۴۵-۴۸)

امیر سلطان جامی

مجموعه مسجد امیر سلطان در شرق یشیل جامی قرار دارد. این کلیه به نام یک روحانی مقدس که نام اصلی محمد بود نام‌گذاری شده است. وی در بخارا به دنیا آمد و در جوانی ساکن بورسا شد و با شاهزاده خانم هوندی خاتون، ازدواج کرد هوندی هاتون کولیه را به نام همسر خود تأسیس کرد، این مجموعه علاوه بر مسجد شامل یک مدرس و یک حمام است که اکنون با یک حمام مدرن جایگزین شده است. مسجد کنونی حاصل بازسازی کامل سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹-۱۸۰۷ میلادی) است

مرادیه

توسط مورات دوم در سال‌های ۱۴۲۴-۶ میلادی ساخته شد، آخرین مجموعه مسجد شاهنشاهی که در بورسا ساخته شد. علاوه بر خود مسجد، کلیه شامل مدرس، عمارت، توره است.

بایزید دوم

این کلیه شامل؛ مسجد، یک بیمارستان، یک دیوانه‌خانه، یک مرکز پزشکی، مدرسه، آسایشگاه، عمارت، نانوایی و انبارهای مواد غذایی است. در احداث مسجد بایزید بنای قدیمی مسجد فاتح به‌عنوان الگو و نمونه انتخاب شده است. مسجد بایزید از چندین گروه ساختمان تشکیل یافته است، حیاط با تالارهای ستون‌دار و گنبددار، ساختمان گنبددار مرکزی و دو جناح گنبددار تابخانه «با اتاق‌هایی برای مسافران» که دو مناره مرتفع در دو سوی آن قرار دارد و معمار سعی کرده با افزایش دادن طول و عرض ساختمان به آن توازن بخشد. (FREELY, ۲۰۱۱: ۷۳). در پایه‌های مناره‌ها لوح‌های مرمرین مزین به نقوش رنگارنگ درهم تابیده و نوشته‌هایی به خط کوفی بنایی کار گذاشته شده است، ردیف سنگ مرمرهای سر مناره‌ها با نقوش ابر طوماری تزیین شده است. آذین مقرنس روی مناره‌های باریکی که بالکن‌های آن‌ها با حلقه‌ای از رف‌های تزیینی پیبندی شده است، مشاهده می‌شود (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۴۸).

دارالحدیث

بخشی از کلیه که در سال ۱۴۳۴ میلادی توسط مورات دوم تأسیس شد. سلطان در ابتدا قصد داشت که ساختمان اصلی یک مدرسه سنتی و مقدس باشد، اما بعدها آن را به مسجد تبدیل کرد. این کلیه بزرگ دارای بخش‌های مختلف؛ مدرس، عمارت، حمام و آسایشگاه بود.

محمد فاتح

این کلیه عظیم با مسجدی بزرگ توسط محمد فاتح در سال ۱۴۶۳-۱۴۷۰ میلادی ساخته شده است. در این کلیه علاوه بر مسجد بزرگ با حیاط زیبای آن، قبرستانی با توره‌ها «مقبره»، هشت مدرس و ملحقات آن‌ها، یک تابانه یا آسایشگاه، یک عمارت بزرگ، یک بیمارستان، یک کاروان‌سرا، یک دبستان، یک کتابخانه و یک حمام در یک منطقه وسیع و تقریباً مربعی دارا بوده است. (FREELY, ۲۰۱۱: ۱۱۳).

شهزاده

در سال ۱۵۴۸ میلادی توسط سنان معمار معروف عثمانی به یادبود سلطان محمد پسر سلطان سلیمان ساخته شده است. این مجتمع علاوه بر مسجد و محوطه جلوخان چند مقبره، دارای یک مدرسه، یک دبستان، یک بیمارستان و یک آشپزخانه برای اطعام فقیران



می‌باشد. مسجد شاهزاده دارای دو محوطه مربع با مساحت یکسان است، شبستان و محوطه جلوخان به یکدیگر پیوسته‌اند و یک واحد را تشکیل داده‌اند. در نمای بیرونی مسجد شماری پیشخوان ستوندار دیوارها، پایه‌های هر دو مناره واقع در دو کنج ساختمان بین شبستان و محوطه جلوخان را از چشم پنهان نموده است (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۵۱).

سلیمانیه «Süleymaniye Camii»

سلیمان دهمین سلطان از خاندان خود و چهارمین سلطانی بوده که پس از فتح قسطنطنیه به‌وسیله محمد دوم به سلطنت رسیده است (ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۲۱) در قالب معماری شکوهمند توسط سنان در سال ۱۵۵۰ میلادی در استانبول ساخته شد. مجتمع شامل مسجد، مدارس دینی، مدرسه عالی پزشکی به همراه بیمارستان، آشپزخانه‌ای برای اطعام فقرا، یک مهمان‌سرا و مقبره سلطان سلیمان و همسرش خرم می‌باشد (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۵۲). پشت دیوار قبله مسجد محوطه‌ای است که شامل مقبره‌های هشت‌ضلعی جداگانه سلیمان اعظم و همسرش حورم سلطان (رکسلانا) است (Rüstem, ۲۰۱۳: ۱۷۳-۱۷۴). مسجد سلیمانیه از لحاظ عظمت گوی سبقت را از همه بناهای اسلامی پیشین ربوده است. مسجد کانون محوط محصور را تشکیل می‌دهد، ارتفاع گنبد این مسجد ۵۳ متر و قطر گنبد ۲۷/۵ متر است. در سمت صحن مسجد ساختمان‌های مجتمع در دو ردیف عمود بر هم آرایش یافته‌اند. این ساختمان‌ها با ردیف گنبد‌هایشان با محوطه جلوخان مسجد هم‌راستا هستند و اتاق هر کدام از آن‌ها به یک حیاط داخلی در وسط راه دارد. ویژگی شاخص این مسجد وجود چهار مناره به بلندای ۷۰ متر است که در چهارگوشه محوطه جلوخان سر برافراشته‌اند (هاتشتاین - دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۵۲-۵۵۳). سنان با قراردادن مناره‌ها در چهارگوشه نمازخانه، از مناره‌ها به‌عنوان پشت‌بندهایی برای جبران رانش جانبی استفاده می‌کرده و ظاهری به وجود می‌آورده که از نظر ریزه‌کاری معمارانه همان غنای قسمت درونی را دارا باشد. در نماها سلسله‌مراتب اجرای ساختمانی تحت الشعاع گنبد عظیم بنا قرار دارد و نما دقیقاً بازتاب نقشه است و در نتیجه هیچ ستونبند خارجی وجود ندارد (بسنیر - اوغلو، ۱۳۶۷: ۳۴)

سلیمیه

این مجتمع توسط در سال ۱۵۷۴ میلادی توسط سنان معمار معروف برای سلطان سلیم دوم تنها پسر بازمانده سلطان سلیمان در ادرنه ساخته شد. این مسجد شاهکار معمار شاخص دوران عثمانی سنان محسوب می‌گردد، که در نوع خود منحصر بفرد است (REELY, ۲۰۱۱: ۷۵). این مسجد یکی از بزرگ‌ترین مساجد است که تا کنون در امپراتوری عثمانی ساخته شده است. علاوه بر عبادتگاه، مجموعه اجتماعی وسیعی شامل چهار مدرسه، بیمارستان و مدرسه پزشکی بزرگ، آشپزخانه- سفره‌خانه و حمام، مغازه و اصطبل است. سنان با الهام از کلیسای بیزانسی به‌عنوان الگوی اصلی، طرح مساجد خود را برای رفع نیازهای عبادی مسلمانان، که به فضاهای باز و بزرگ برای نماز عمومی نیاز داشتند، اقتباس کرد. در این مسجد گنبد مرکزی عظیم به نقطه کانونی تبدیل شد که طراحی بقیه سازه حول آن توسعه یافت (Kuiper ۲۰۰۹: ۲۰۵). بلندای گنبد مسجد ۴۲ متر است، که قابل مقایسه با گنبد عظیم ایاصوفیه است. شاخص‌ترین ویژگی مسجد سلیمیه چهار مناره باریک و مرتفع آن است که با ۷۱ متر ارتفاع بلندترین مناره‌ها در جهان اسلام محسوب می‌شوند، و هر مناره دارای سه بالکانه «شرفه» است (FREELY, ۲۰۱۱: ۷۵). سنان در استفاده از گنبد های کوچک‌تر، نیم گنبدها و تکیه‌ها برای هدایت چشم به سمت بیرون مسجد به سمت گنبد مرکزی در راس آن پیشگام بود و از مناره‌های بلند و باریک در گوشه‌ها برای قاب‌بندی کل بنا استفاده کرد (Kuiper ۲۰۰۹: ۲۰۵). مناره‌ها دارای پلکان‌های مارپیچی جداگانه‌ای هستند که به غلام‌گردش‌ها منتهی می‌شود، و گنجاندن چنین پلکان‌هایی در مناره‌های چنین باریک امری دشوار بوده است. سنان به طراحی مناره‌های فوق در زندگی‌نامه‌اش می‌بالد و آن‌ها را نقطه اوج کارش می‌داند (هاتشتاین-دیلیس، ۱۳۹۰: ۵۵۸). این طرح می‌تواند مانند نمای دراماتیک مسجد سلیم، جلوه‌های بیرونی چشمگیری داشته باشد. سنان توانست حس بزرگی و قدرت را در تمام ساختمان‌های بزرگ‌تر خود منتقل کند. به نظر می‌رسد این شاهکارهای معماری عثمانی کمال نهایی دو سنت بزرگ باشد؛ یکی سنت سبکی و زیبایی‌شناختی که از زمان ساخت کلیسای بیزانس ایاصوفیه در قرن ششم در استانبول بومی بوده است و دیگری سنت اسلامی مربوط به ساخت خانه‌های مسکونی تا قرن ۱۰ است (Kuiper ۲۰۰۹: ۲۰۵).

سلطان احمد «آبی»



در زمان سلطان احمد اول در سال ۱۶۱۰-۱۶۱۷ میلادی در روبروی مسجد ایاصوفیه در استانبول ساخته شد، این مسجد به عمد در مقابل عمارت ایا صوفیا ساخته شده تا نشان دهد که معماران عثمانی و مسلمان می‌توانند رقبای سرسختی برای اجداد مسیحی خود باشند. به سبب بکارگیری از رنگ آبی برای تزیینات بخش‌هایی از مسجد به مسجد آبی معروف گشت. مسجد دارای ابعادی وسیع می‌باشد، و ساختمان آن مشرف به دریای مرمره است. شش مناره این مسجد، که وسعتش کمی بیشتر از وسعت ایاصوفیه است، ابهت خاصی به مسجد می‌بخشند، علاوه بر مسجد مدرسه و غرفه پادشاهی از دیگر بخش‌هایی شاخص هستند (هاتشتاین-دلوس، ۱۳۹۰: ۵۶۰).

نتیجه‌گیری

در معماری عثمانی، مساجد در رأس مؤسسات اجتماعی قرار دارد، گذشته از اینکه محل یک اجتماع معنوی و مکان عبادت است، در مرکز هر محل از اهمیتی شایان توجه برخوردار بوده است. کلیه‌ها مجموعه‌ای از ساختمان‌های مرتبط با معماری عثمانی با مرکزیت یک مسجد بوده و اغلب بر پایه وقف کار می‌کرده است. کلیه‌ها معمولاً متشکل از مدرسه، دارالشفاء، مطبخ، نانوايي، حمام ترکی، ساختمان‌های دیگر برای خدمات مختلف خیرخواهانه برای جامعه و سایر ملحقات است.



کتابنامه

- احمدیاقی، اسماعیل (۱۳۸۵). *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه رسول جعفریان، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله (۱۳۹۲). *حس وحدت (نقش سنت در معماری ایرانی)*، مترجم و نداد جلیلی، تهران: علم معمار.
- ایتمسکویتس، نورمن (۱۳۷۷). *امپراتوری عثمانی و سنت اسلامی*، ترجمه احمد توکلی، تهران: نشر پیکان.
- بلر، شیلا؛ بلوم، جانانان (۱۳۸۵). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: انتشارات سروش.
- حقی، اوزون؛ چارشیلی، اسماعیل (۱۳۹۶). *تاریخ عثمانی*، ج ۲، ترجمه ایرج نوبخت، تهران: انتشارات کیهان.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۹۱). *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
- هاتشتاین، مارکوس؛ دیلیس، پیتر (۱۳۹۰). *اسلام هنر و معماری*، ویراستار هرمز ریاحی، تهران: انتشارات پیکان.
- هیلنبرند، روبرت (۱۳۸۵). *معماری اسلامی (معنا، مفهوم، کارکرد)*، تهران: انتشارات روزنه.
- هیلنبرند، روبرت (۱۳۹۱). *هنر و معماری اسلامی*، تهران: انتشارات روزنه.
- QUATAERT, DONALD(2005) *The Ottoman Empire*, Second Edition, Binghamton University, State University of New York
- FREELY, JOHN (2011) *A HISTORY OF OttomanArchitecture*, Printed in Great Britain by MPG Books Group, Bodmin and King's Lynn
- Hakky ,Rafee(1992.) *The Ottoman Külliye Between the 14th and 17th Centuries: Its Urban Setting and Spatial Composition*, VirginiaPolytechnicInstituteandStateUniversity
- Kuiper, Kathleen(2009) . *Islamic Art, Literature, and Culture*, The Rosen Publishing Group.
- Rüstem ,Ünver(2013) *vArchitecture for a New Age:Imperial Ottoman Mosques in Eighteenth-Century Istanbul*, Harvard University Cambridge, Massachusetts